

تحلیل تحقیقی "جعفر پویا" و "ن. کیانی" اعضای شورای سردبیری راه توده

حزب الله لبنان

میان دو تیغ قیچی اسرائیل و رهبران جمهوری اسلامی

رهبران متولفه اسلامی نگران تجارت سیب و پرتقال لبنان اند
و حاکمیت یکدست جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان را سپر بلای خود کرده است.

حکومت یکدست، دولت احمدی نژاد و گروه های موسوم به حزب الله ایران پرچم دفاع از حزب الله لبنان را به دست گرفته اند. اینان همسو با تبلیغات اسرائیل و آمریکا طوری وانمود می کنند که گویا حزب الله لبنان با سرانگشت رهبران جمهوری اسلامی بوجود آمده است. به گونه ای برای حزب الله لبنان تبلیغ می کنند که بیش از آنکه هدف از آن همبستگی با مردم یا حتی حزب الله لبنان باشد ایجاد این تصور در مردم ایران و جهان است که مثلا سرخ حزب الله لبنان در دست رهبران ایران است. خون مردم لبنان و اعضای حزب الله فعلا وسیله کاسبی و کسب وجهه رهبران ایران شده است. ولی آیا واقعا ماهیت حزب الله ایران با ماهیت حزب الله لبنان یکی است؟ حزب الله لبنان که هیچگاه دست بر روی مردم خود بلند نکرده با حزب الله ایران که حیات سیاسی آن بدون مردم آزاری، چماق کشی، تفرقه افکنی و ... ممکن نیست، دارای يك اندیشه هستند؟ آیا بین هدف حزب الله لبنان که ایجاد يك جبهه واحد ضد اسرائیلی و ضدامپریالیستی است با حزب الله ایران که کاری جز پراکندن، منفعل کردن و سرکوب کردن جبهه ضدامریکایی ندارد شباهتی وجود دارد؟ آیا هدف کمک های ایران به حزب الله تقویت مقاومت آن در برابر اسرائیل است، یا تضمین امنیت صادرات سیب و پرتقال لبنان که انحصار آن نه فقط به سوی ایران، بلکه به دیگر کشورهای منطقه و قبرس و غیره در اختیار **متولفه اسلامی** و عسکراولادی و رفیق دوست است؟

حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ و پس از حمله اسرائیل به لبنان شکل گرفت. حسن نصرالله رهبر کنونی حزب الله خود می گوید: "اگر اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله نکرده بود امروز حزب الله وجود نداشت." ریشه حزب الله لبنان از یکسو در جنبش امل و اندیشه های امام موسی صدر و از سوی دیگر و بیش از آن در جنبش چپ و جبهه مقاومت فلسطین نهفته است. به همین دلیل برخلاف "امل" حزب الله توانست پیوند تنگاتنگی با مردم محروم جنوب لبنان و دیگر مناطق این کشور برقرار کند. زمانی که حزب الله تشکیل شد اوج تلالو انقلاب ایران در منطقه بود. رهبران وقت حزب الله (شیخ حسن فضل الله) واقعا به انقلاب ایران عشق می ورزیدند و آن را الگوی خود می دانستند. آنان هنوز از اختلاف های درونی رهبری انقلاب ایران اطلاع نداشتند. اختلاف هایی که بعدها در جریان فاش شدن ماجرای ایران گیت و خرید سلاح از اسرائیل توسط ایران ضربه سختی به حزب الله لبنان وارد کرد، ضمن آنکه هواداران محمد منتظری و سید مهدی هاشمی را که با انقلابیون فلسطین و لبنان دارای مناسبات نزدیک بودند از سپاه پاکسازی کرده و حتی مهدی هاشمی را اعدام کردند. بدینسان همراه با چرخش تدریجی رهبران ایران که در داخل به صورت سرکوب نیروهای انقلاب و در خارج به شکل تلاش برای جلب نظر موافق آمریکا جلوه گر می شد، نحوه مناسبات ایران با حزب الله لبنان نیز تغییر کرد. این مناسبات در دوران رهبری علی خامنه ای از شکل کمک های صادقانه و بی شائبه اولیه به نفوذ درون حزب الله، جلب افراد ضعیف از نظر فکری یا مادی به سازمان های امنیتی که نقش مخربی به زیان حزب الله در برخی

ترورهای ایرانیان اپوزیسیون خارج از کشور بر دوش آنان گذاشته شد، در تلاش برای استفاده ابزاری از آن، تبدیل کردن حزب الله به يك وسیله مذاکره و چانه زنی با غرب، عوض شد.

چند دستگی های درون رهبری ایران به درون رهبری حزب الله نیز وارد شد هر چند ماهیت اساسی آن را نتوانست تغییر دهد و این حزب ماهیت ملی لبنانی خود را حفظ کرد.

برخلاف تبلیغات وسیعی که غرب و حکومت ایران انجام می دهند دولت ایران هیچگونه کمک چشمگیر نظامی به حزب الله لبنان نکرده است. سلاح های حزب الله لبنان عمدتاً موشک های روسی کاتوشیاست که سوریه در اختیار آن قرار داده است. موشک های دیگری اگر ایران در اختیار حزب الله لبنان قرار داده باشد یا تعدادش اندک است یا استفاده از آن مشروط به منافع رهبران ایران و نه حزب الله و مردم لبنان است.

بخشی از نگرانی جمهوری اسلامی از امنیت لبنان هم ناشی از منافع اقتصادی است که در آن کشور دارد. از جمله انحصار سیب و پرتقال لبنان که شهرت جهانی دارند اکنون در اختیار موثلفه اسلامی و گروه رفیق دوست و عسکراولادی قرار گرفته است و آنان مایل به تامین امنیت برای تهیه و صادرات آن به ایران و دیگر کشورهای خارجی هستند. در واقع کمک هایی که اینان مدعی هستند به مردم لبنان می کنند حاصل تاراج دسترنج خود آنان و در جهت حفظ منافع اقتصادی "اصولگرایان" جمهوری اسلامی است.

روی کار آمدن دولت احمدی نژاد آن حاشیه امنیتی که سیاست های دولت خاتمی برای حزب الله لبنان بوجود آورده بود را از میان برداشت. اعتبار و وجهه بین المللی که خاتمی بعنوان يك شخص صلح طلب و دمکرات برای خود بوجود آورده بود اصلاً به اسرائیل امکان حمله به حزب الله لبنان را نمی داد. در واقع اسرائیل و مردم لبنان قربانی **شعارهای هولاکوست و چهره جنگ طلبی** شده اند که رهبران جمهوری اسلامی به کمک احمدی نژاد از ایران در جهان بوجود آورده اند.

رهبران کنونی ایران برخلاف ادعاهایشان نه تنها علاقه ای ندارند که جهان اسلام و عرب به پشتیبانی از حزب الله برخیزد، بلکه مایلند این جنبش هر چه بیشتر در جهان عرب منزوی شود تا بیشتر وابسته به ایران باشد. رهبران حزب الله بارها گفته اند که با هر کشوری که مایل باشد با حزب الله رابطه داشته باشد اعم از مذهب آن حاضر به برقراری نزدیک ترین روابط هستند. دولت ایران چنین چیزی را نمی خواهد. برقراری بارگاه و زیارتگاه برای قاتل عمر، اجازه ندادن به ایجاد يك مسجد اهل تسنن در شهرهای شیعه نشین ایران، ممانعت از ورود يك سنی مذهب به هیئت رئیسه مجلس و مشابه آن همه بالطبع بصورت موضعگیری متقابل رهبران سنی جهان عرب بر ضد شیعیان و در نتیجه حزب الله بازتاب پیدا می کند و این چیزی نیست که رهبران ایران آن را ندادند.

رهبران ایران همچنین نگران هستند که الگوی حزب الله که بیشتر به اصلاح طلبان و نواندیشان مذهبی در ایران شبیه است اکنون برعکس بداخل ایران نفوذ کند. در واقع حزب الله لبنان برخلاف رهبری جمهوری اسلامی ضامن دمکراسی در لبنان شناخته می شود. حزب الله لبنان امنیت اجتماعات، میتینگ ها، کنسرت ها و دیگر فعالیت های کمونیست ها و نیروهای مترقی لبنان را تامین می کند.

حزب الله لبنان همچنین امروز از نظر اکثر لبنانی ها ضامن وحدت ملی لبنان تلقی می شود. در سال ۱۹۹۷ امین جمایل مقاله ای در لوموند نوشت به نام "مانع کوزوی (KOSOVO) لبنان شویم" و مدعی شد که پس از پایان تجاوزات اسرائیل به لبنان حزب الله درصدد انتقام گیری برخواهد آمد و جنگ با مسیحیان لبنان را آغاز خواهد کرد. اما چنین نشد. امین جمایل بعدها از سخن خود عذرخواهی کرد. واقعیت آن است که از زمان تشکیل حزب الله جنگ های داخلی و مذهبی در لبنان پایان یافته است و مردم لبنان از همه ادیان این را مرهون نرمش های حزب الله لبنان می دانند. در همین چارچوب حزب الله لبنان مناسبات نزدیکی با احزاب

ولو اقلیت اما دارای پایگاه مردمی بوجود آورده است، از جمله با حزب کمونیست لبنان که یک حزب ملی و غیره مذهبی است، یا حزب ملی اجتماعی **سلیمان فرنجه** که در شمال لبنان هوادار دارد و همچنین با رهبرانی نظیر **اسامه سعد** در صیدا یا **ابن کرامه** که در تربیولی هواداران زیادی دارد. این را مقایسه کنید با حزب الله و رهبران ایران که مسلمان شیعه اصلاح طلب را هم قبول ندارند و ۲۴ ساعته در حال تقسیم مردم به مذهبی و غیرمذهبی، خودی و غیرخودی، مسلمان و نامسلمان، سنی و شیعه، اصولگرا و غیراصولگرا، بدحجاب و بی حجاب و کم حجاب، ملعون و مقتول و حجاب برتر و ... هستند. از همینجا می توان فهمید که چرا حزب الله لبنان با دست خالی یک ماه در برابر اسرائیل ایستادگی می کند و "استشهادیون" حزب الله ایران با ماشین کولر دار چلوکباب خوران در شهرها خودی نشان می دهند و تا دم مرز می روند و بر می گردند.

چهره تروریستی از حزب الله لبنان آن چهره ای است که رهبران ایران دوست دارند به این حزب نسبت دهند تا چنین وانمود کنند که روش های تروریستی آنان در داخل و خارج از ایران همان روش های "انقلابی" است که در همه جای جهان بکار می رود. در حالی که در لبنان هیچکس حزب الله را تروریست نمی داند. نه در جریان ترور **رفیق حریری** و نه **جرج حاوی** دبیرکل حزب کمونیست لبنان هیچکس حزب الله را در مظان اتهام قرار نداد. صحبت از نقش سوریه و نیروهای خارجی شد ولی هیچکس کمترین ظنی را که حزب الله به این کار دست زده باشد حتی طرح نکرد. این نشان می دهد که از نظر مردم لبنان حزب الله با اینگونه اقدامات بیگانه است.

حزب الله لبنان با آگاهی از آنکه بر لبه دو قیچی اسرائیل و ایران قرار گرفته تلاش زیادی برای خارج کردن خود از این وضع کرده است. از جمله اینها تلاش برای تغییر نام به "جنبش ملی مقاومت لبنان" با حفظ نیروهای شبه نظامی آن بوده است که بدلیل فشارها از درون و بیرون به جایی نرسیده است.

جمهوری اسلامی از شیعه بودن و احساسات شیعیان لبنان و علاقه آنان به انقلاب ایران و همچنین خصومت دیرینه آنان نسبت به تجاوزات اسرائیل سوءاستفاده می کند. طوری در داخل لبنان تبلیغ کرده اند که اگر رهبران حزب الله هم بخواهند از ایران و شعارهای ماجراجویانه آن فاصله بگیرند مردم تصور کنند که حزب الله می خواهد به آرمان های خود خیانت کند و با اسرائیل سازش کند. از زمان روی کار آمدن دولت احمدی نژاد وضع برای حزب الله به مراتب دشوارتر از گذشته شده است. شعار محو کردن اسرائیل از روی نقشه کره زمین برای مردم لبنان و یک حزبی که با دست تقریباً خالی در مجاورت ارتش اسرائیل، یعنی مجهزترین ارتش خاورمیانه زندگی می کند مرگبار بود و مرگبار شد. سیاست های تجاوزگرانه اسرائیل نیز به سیاست های دولت کنونی ایران یاری می رساند. برخلاف آنچه تصور می شود، هدف اسرائیل از حمله به حزب الله، ایران نیست بلکه خود حزب الله بعنوان یک نیروی ضدامپریالیستی و مردمی در لبنان است. اینکه در بازی دو طرفه ای که رهبران ایران و اسرائیل شروع کرده اند این حملات سرانجام دامن ایران را نیز بگیرد البته بسیار زیاد است و این چیزی است که جناح جنگ طلب و نظامی در حاکمیت ایران از آن استقبال می کند و تصور می کند در صورت چنین حمله ای خواهد توانست روحانیان و نیروهای سیاسی غیرنظامی را از قدرت بیرون اندازد.